ادامه از صفحه۳

انتخاب رییس در رقابتی‌ترین خبرگان

آیت‌الله‌مشکینی، رییس سنتی خبرگان، که در سال۸۶ درگذشت، خبرگان برای اولین‌بار صحنه رقابت به خود دید. تا زمان حیات آیت‌الله‌مشکینی، دبیرکل جامعه مدرسین و محققین حوزه‌علمیه‌قم؛ ریاست بی‌آنکه رقیبی داشته باشد، به‌صورت اجماع بر خبرگان تداوم یافت. با درگذشت آیت‌الله‌مشکینی، آن‌هم در مجلسی که مرحوم مهدوی‌کنی در آن غایب بود، از هاشمی‌رفسنجانی به عنوان عضوی از جامعه روحانیت مبارز و مهم‌ترین گزینه ریاست نام برده شد. تا اینکه احمد جنتی هم در سایه حمایت تشکل متبوع خود، یعنی جامعه مدرسین تصمیم گرفت وارد رقابت با هاشمی شود. در رقابت بین جامعتین، این‌بار هاشمی‌رفسنجانی با ۴۱رای در برابر ۳۴رای جنتی توانست پیروزی خود را تثبیت کند. با پیروزی هاشمی‌رفسنجانی، مرحوم مهدوی‌کنی در انتخابات میان‌دوره خبرگان از حوزه تهران، برای انتخابات خبرگان نامزد شد. او در سال۸۹ و یکی از سال‌های حساس تاریخ جمهوری اسلامی در انتخابات داخلی این مجلس حضور پیدا کرد. حضور او که قطعی شد، هاشمی‌رفسنجانی از رقابت صرف نظر کرد و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز، بدون رقیب و با ۶۳ رای رییس خبرگان شد. مهدوی‌کنی پس از انتخاب به‌عنوان رییس‌مجلس خبرگان تعبیر جالبی به‌کار برد و گفت: «آقای هاشمی ریاست مجلس خبرگان را به من تفویض کردند» چرا که هاشمی از قبل اعلام کرده بود در صورت نامزدی مهدوی‌کنی از رقابت با او صرف نظر خواهد کرد. مهدوی‌کنی با این حال به خاطر بیماری و کهولت سن اغلب در جلسات حضور نداشت و نایب او یعنی هاشمی‌شاهرودی اداره جلسات را بر عهده می‌گرفت.

رقابت هاشمی‌رفسنجانی و یزدی، اصلی‌ترین رقابت

با فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی که ریاستش بر خبرگان از جنس ریاست مشکینی بود، بازار رقابت برای جایگاه ریاست در خبرگان بار دیگر داغ شد. با انصراف هاشمی‌شاهرودی، اما به نظر می‌رسید که رقابت بین هاشمی‌رفسنجانی و محمد یزدی جدی‌ترین رقابت باشد. یزدی و هاشمی‌رفسنجانی پیش‌تر یک‌بار دیگر، نه به‌عنوان رقیب بلکه در عرصه رسانه با هم مواجه شده بودند. ماجرا مربوط به سال ۸۸ است. سه روحانی یعنی محمد یزدی، سیدحمید روحانی و روح‌الله حسینیان در آن سال نسبت به مواضع هاشمی‌رفسنجانی درباره انتخابات پرسروصدای آن سال انتقاداتی را مطرح کردند. هاشمی‌رفسنجانی اما در دیدار جمعی از روحانیون و وعاظ و در جواب جمعی از حضار که اجازه جواب به اظهارات آقایان یزدی و حسینیان و حمید روحانی را خواستند، گفته بود: «سال‌هاست که جواب من به آقای یزدی درخواست شفا برای ایشان است و ارسال سلام. متاسفانه ایشان بر اثر مشکلات جسمی گاهی دچار عصبانیت می‌شود و عجولانه اعلام نظر می‌کند. افرادی هم هستند که شهرت خویش را از راه اهانت به دیگران می‌خواهند که جواب این‌گونه افراد هم سکوت است و دعا برای هدایتشان.»

محمد یزدی کیست؟

محمد یزدی ۸۳ ساله تا پیش از آنکه به ریاست خبرگان برسد، عضو شورای نگهبان و نماینده استان تهران در مجلس خبرگان رهبری بود. یزدی، همچنین دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دبیر شورای‌عالی حوزه‌های علمیه است. او در سال ۱۳۶۸ به ریاست قوه‌قضاییه منصوب شد. دوره او یک‌بار دیگر تمدید شده و تا سال ۱۳۷۸ در قامت قاضی‌القضات حضور داشت. از فعالیت‌های او در این قوه، انحلال دادسراها بود. حجت‌الاسلام شبیری‌زنجانی، مشاور عالی رییس قوه قضاییه در این‌باره به خبرگزاری شفقنا گفته بود: «آیت‌الله یزدی با دیدگاه حوزوی به قوه‌قضاییه رفت و دادسراها را جمع کرد، اما نبودن دادسرا با یک شرایط خاصی میسر است، یعنی اگر قاضی مجتهد باشد و در کنار او دستیارهای باتجربه حاضر باشند خوب است؛ یعنی قاضی‌ای که به پرونده رسیدگی می‌کند مجتهد بوده، همانجا تحقیق کرده و رأی را صادر کند خوب است، اما زمانی که شرایط تغییر نکرده، با همان وضع موجود حذف دادسراها اشتباه بود. آیت‌الله یزدی با این تعبیر که ما در اسلام دادسرا نداشتیم و مردم مستقیم به قاضی مراجعه می‌کنند و همانجا حکم صادر می‌شود دادسراها را حذف کرد، ولی به شرایط توجه نداشتند که این باعث شد مشکلاتی ایجاد شود. نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره‌های اول و دوم، نمایندگی روسای سه قوه در هیات سه‌نفره حل اختلاف بین شهید رجایی و بنی‌صدر و رییس دادگاه انقلاب اسلامی قم و کرمانشاه از دیگر مسوولیت‌های رییس جدید خبرگان محسوب می‌شود. خبرگان دور چهارم در دور نخست با انتخاب اعضای هیات‌رییسه به کار خود پایان داد.

به این ترتیب آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی با ۴۲ رای و موحدی‌کرمانی با ۲۹ رای به ترتیب به عنوان نایب‌رییس اول و نایب‌رییس دوم مجلس خبرگان رهبری انتخاب شدند که در حقیقت هاشمی‌شاهرودی در سمت خود ابقا شد. همچنین آیت‌الله دری‌نجف‌آبادی با ۴۵رای و آیت‌الله سیداحمد خاتمی با ۳۴رای همچنان به عنوان منشیان هیات‌رییسه باقی ماندند.

نتانیاهو، عقل و علوم‌انسانی ما

رضا منصوری
استاد فیزیک
دانشگاه صنعتی‌شریف

سخنرانی بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا را با اکراه شنیدم و چه خوب شد که مستقیم دیدم و تنها به واکنش‌ها اکتفا نکردم، حالا بی‌واسطه می‌توانم نظر و تحلیل خودم را در ارتباط با ایران بگویم. تمام صحبت او در مورد ایران بود؛ این رویداد تاریخ‌ساز خواهد شد، همه‌دنیا به آن توجه داشتند. نتیجه اثرگذاری آن هرچه باشد، نه‌تنها در ایران تاثیر می‌گذارد، نه‌تنها در منطقه تاثیر می‌گذارد، که در آینده دنیا نیز تاثیرگذار خواهد بود. او حتما بازیگر ورزیده‌ای است. این رویداد یک‌تئاتر بی‌نظیر و برهم‌کنشی بود، یعنی تئاتر اینتراکتیو بود، همراه با نمایندگان کنگره که دایم درحال دست‌زدن و بازیگری در این تئاتر اینتراکتیو بودند.

مدت‌ها نمایشی به این زیبایی و تااین‌حد تاثیرگذار ندیده بودم. اینکه سیاستمدار خوبی هم هست یا نه، با متخصصان امر است که نظر دهند. این که مردمش او را انتخاب کرده‌اند، باید برای ما هشداری باشد، گرچه خود ما هم شاهد اوج‌گیری مقطعی این نوع سیاستمداران بوده‌ایم. تا اینجا، نظر من به‌عنوان یک‌تماشاچی ساده بود، اما نکته دیگری ذهن مرا بسیار مشغول می‌کند؛ رسم دنیای مدرن در چنین رویدادهایی، این است که متخصصان امر (و در این مورد دانشگران علوم‌سیاسی)، موضوع را تحلیل کنند. منظورم واکنش سیاستمداران نیست، بلکه تحلیل علمی رویداد است.

چرا ما چنین نمی‌کنیم؟ چرا نتانیاهو در این نمایش، به ایرانیان توهین کرد؟ چرا این‌گونه شدید با توافق احتمالی ایران با ۱+۵ مخالفت کرد؟ چرا در صحبت خود از عقل استفاده نکرد و فقط نمایش داد. برای من رفتار او توهین به عقل و توهین به همه دستاوردهای بشر مدرن است، اما لابد او به اندازه کافی با هوش هست که برای این رفتار عقل‌گریزانه خود دلیلی داشته باشد و بسیاری سوال‌های دیگر که بررسی آن باید برعهده همکاران علوم‌سیاسی ما باشد.

چرا فقط سیاستمداران ما واکنش نشان دهند؟ آیا ما توان تحلیل نداریم؟ آیا ما واکنش سیاسی را مترادف با تحلیل می‌دانیم؟ آیا نگران واکنش طرفداران «علوم‌انسانی اسلامی» هستیم؟ اخیرا کتابی درباره علوم انسانی به دستم رسید که در همان صفحه‌های اول می‌خوانیم: «اطلاعات سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد...، ولی بسیاری از شخصیت‌های علوم اجتماعی این کشورها همچون پوپر، هانتینگتون، آیزایا برلین و هابرماس عضو یا همکار پنتاگون، سیا و دیگر سازمان‌های جاسوسی بوده‌اند...؟»

اهل دانشگری، اما احتمالا نه اهل علم، می‌دانند این گزاره‌ها چقدر بی‌معنی است، در جایی که قرار است در مورد نوع علم صحبت شود. این کتاب نمونه‌ای است از انتشارات زیادی در این زمینه که کمابیش بیشتر نوعی شعار سیاسی‌اند تا بحث علم و انواع آن. این حرکت‌ها در سطحی بسیار نازل‌تر از این هستند که مزاحم بحث علمی جدی شوند. گاهی فکر می‌کنم اگر در امور نظامی هم کسانی مانند سردار سلیمانی می‌خواستند به این روش‌های نازل و شعاری، با داعش مقابله کنند، الان بغداد و ایران چه شرایطی پیدا کرده بود! خود آن مساله از نظر علمی قابل‌بررسی است که چگونه است ما در جنگ روش‌های آزموده خود را داریم، از هرنوع دانش فنی غرب که بتوانیم استفاده می‌کنیم، اما در امور علمی و فرهنگی به ابتذال تن داده‌ایم، نه ابتذالی که معمولا با صفت غربی می‌آید، بلکه ابتذالی بومی به اسم فرهنگ! اما دانشگران اهل علوم‌سیاسی ما از این واقعیت‌ها واهمه نداشته باشند و برای ما شهروندان و برای سیاستمداران جدی و دلسوز ما، تحلیل علمی ارایه دهند، جز این جامعه چگونه رشد کند؟ جز این چگونه بدانیم فرهنگ چیست؟ جز این پس ما دانشگاهیان چه‌کاره‌ایم؟ جز این بازهم بازار مکاره «اهل‌فرهنگ» با سوءاستفاده از شعارهای به‌ظاهر موجه رونق خواهد داشت و منابع ملی ما به هدر می‌رود. ازاین‌گذشته، به‌هرحال ما از همکاران علوم‌سیاسی خود انتظار داریم. این کارها عین پژوهش است! و عین حفظ حرمت دانشگری! ما انتظار داریم! همین سخنرانی نخست‌وزیر رژیم اسراییل می‌تواند نقطه آغاز خوبی باشد.

ادامه از صفحه اول

تکلیف یا خطای محاسباتی

ممکن است امواج پرشتاب سال‌های نخست انقلاب، ایشان را هم مانند بسیاری دیگر با خود برای مدتی حمل کرده باشد اما واقعیت آن است که هر چقدر از آن سال‌های پر تب‌وتاب نخست انقلاب فاصله می‌گیریم، هاشمی‌رفسنجانی به اعتدال و میانه‌روی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. این روند به‌ویژه بعد از دهه ۶۰ و آغاز نخستین دوره ریاست‌جمهوری، به‌طور منظم پررنگ‌تر می‌شود، تاجایی که از اواسط دهه ۸۰ و به‌ویژه از ۲۲خرداد ۸۸ به این‌سو می‌توان گفت ایشان دچار یک دگردیسی کامل می‌شوند. ایشان خواهان احترام کشورها یا فرهنگ و تمدن‌ها بود و به طور متناوب او را در جهت ترویج اعتدال، میانه‌روی، پرهیز از خشونت، افراطی‌گری و از سوی دیگر، وفاق و همدلی ملی می‌بینیم. در عین حال و با وجود این تحول، ایشان همچنان سفت و سخت و قرص و محکم به انقلاب و نظام پایبند مانده‌اند. رد خشونت و افراطی‌گری از یک‌سو و دغدغه نظام و آینده را داشتن از سوی دیگر، سبب می‌شود آقای هاشمی‌رفسنجانی به تدریج به این نقطه برسند که بزرگ‌ترین خطری که نظام را در بلندمدت تهدید می‌کند نه دشمنان خارجی که اتفاقا تندروی داخلی است، بنابراین ایشان فقط به نفی این مساله به عنوان یک باور سیاسی و دینی نمی‌پردازد، بلکه به واسطه خطری که معتقد است از جانب این آسیب‌ها متوجه کشور می‌شود، در مرتبه بعدی به مبارزه با این پدیده‌ها روی می‌آورد. موضع‌گیری‌های ایشان در پنج‌سال اخیر را فقط می‌توان در قالب این اعتقاد که وظیفه دارند با تندروی مقابله کنند تبیین کرد. اعتقاد به رویارویی با تندروی فقط محدود به سخنرانی و مصاحبه نمی‌شود. اصلی‌ترین دلیل ایشان برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲، دقیقا به واسطه تهدیدی بود که احساس می‌کردند از ناحیه سیاست‌های دولت وقت متوجه آینده نظام شده است. سن ایشان در یک‌سو و شرایط سیاسی دشوار کشور در سوی دیگر، تصمیم به شرکت در انتخابات ۹۲ را برای آقای هاشمی فوق‌العاده دشوار کرده بود، اما به واسطه آنچه به آن اشاره شد، با وجود اکراه و سختی‌ای که این تصمیم داشت، نهایتا به وزارت کشور رفته و ثبت‌نام کردند.

زمانی هم که اطلاع داده شد شاید پای رد صلاحیت وسط بیاید، حاضر نشدند از نامزدی انصراف دهند. حکایت اعلام نامزدی آیت‌الله هاشمی برای ریاست مجلس خبرگان هم دقیقا با این الگوی ۳۰ساله از رفتار سیاسی ایشان مطابقت پیدا می‌کند. ایشان با علم به اینکه می‌دانستند موضع‌گیری و جهت‌گیری بسیاری از اعضای خبرگان چگونه است، معذلک به واسطه احساس خطری که داشتند وارد رقابت شدند. از ماه‌ها قبل هم ایشان رسما اعلام کرده بودند اگر ببینند افرادی قصد نامزدی دارند، ساکت نخواهند نشست و این دقیقا کاری بود که انجام دادند. ایشان به هیچ روی نگفته بودند این ورود به صحنه موفقیت‌آمیز خواهد بود و یقینا پیروز خواهند شد. اینها همه از ساخته‌ها و القائات اصولگرایان است. به بیان ساده‌تر نامزدی ایشان از باب وظیفه‌ای بود که در قبال ابرهای سیاسی که به گفته ایشان برخی تندروی‌ها در آسمان کشور ظاهر کرده، احساس می‌کردند. ایشان بعد از اعلام نتایج انتخابات دیروز فقط یک جمله گفتند «نمی‌توانستم و نتوانستم ساکت بنشینم. با پاگذاشتن بر ۸۰ سال آبرو و حیثیت سیاسی‌ام، به آخرین وظیفه و تکلیفم برای انقلاب و نظام عمل کردم».

ادامه از صفحه ۴

روند تحلیل بازار سرمایه

این درحالی است که در روزهای اخیر در ادبیات تحلیل‌های تکنیکال، به رسیدن شاخص به نقطه قرمز اشاره می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر گفتم نمی‌توان این قبیل تحلیل‌ها را در بازار سرمایه ایران بدون تحلیل‌های بنیادی مورد توجه قرار داد، البته وجود برخی علایم، تداوم روند نزولی بازار سرمایه در روزهای آتی را تایید می‌کند؛ یکی از مهم‌ترین این علایم وضعیت دشواری است که اقتصاد ما در آن قرار دارد. این وضعیت تاثیر خود را بر شرکت‌های ایرانی، معیشت مردم و درنهایت شرایط معاملات خواهد گذاشت.

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد شرایط قیمت به درآمد (P/E) است. (P/E) نیز به‌درستی در ایران تجربه نشده است و باید آن را نسبت به‌میزان تورم سنجید.

در کشوری که تورم آن دودرصد و نرخ بازدهی آن چهار تا پنج‌درصد است، منطقی به نظر می‌آید که (P/E) آن ۲۰مرتبه باشد، اما در شرایطی که سود بانکی ۲۸ تا ۳۰درصد باشد، بازدهی بین بانکی چیزی حدود ۳/۸مرتبه است. درنتیجه (P/E) بازار سرمایه ایران که درحال‌حاضر پنج تا شش‌مرتبه است نمی‌تواند جذاب باشد.

تحلیل‌ها در بازار سرمایه با نگاه به آینده صورت می‌گیرد. در شرایطی می‌توان انتظار داشت مردم به سرمایه‌گذاری دست بزنند که افق بهتری را تصویر کنند و امید داشته باشند که کسری بازدهی آنها در روزهای آینده ترمیم شود.

ماجرای حمله به من در شیراز

ادامه از صفحه ۲

جالب است که یکی از مقامات ارشد آن کلانتری می‌گفت با وجود فناوری جدید که از داخل خانه هم می‌شود به صورت ویدئوکنفرانس برای دانشجویان صحبت کرد چه اصراری به برگزاری این‌گونه جلسات است. گفتم من که عشق سخنرانی ندارم، آنها به اصرار دعوت کردند، من هم پذیرفتم و اکنون باید به وعده خود وفا کنم. به رییس کلانتری گفتم شما به جای تلاش برای لغو سخنرانی، الان که اینها در دسترس شما هستند بازداشتشان کنید تا مجازات شوند. اگر یک‌بار این کار را بکنید دیگر این رذالت‌ها تکرار نمی‌شود. گفت ما اطلاعات و عکس همه آنها را داریم، بعدا همه‌شان را بازداشت می‌کنیم؛ و من منتظر بازداشت آنها هستم! این در حالی بود که می‌گفتند حدود هزاردانشجوی انجمن فرهنگ و سیاست و بسیج دانشجویی و... در سالن سخنرانی منتظر ورود من هستند. یکی از مسوولان امنیتی گفت ما احتمال این وضع را می‌دادیم. گفتم پس چرا تمهیدات لازم را برای حفظ امنیت فراهم نکردید یا لااقل زمانی که در تهران بودم به من اطلاع ندادید؟ به امید مسوولان اجرایی استان بودم که آنها با دستور مناسب، آن اراذل را بازداشت و راه برگزاری مراسم را هموار و اینجانب را تحت‌الحفظ به دانشگاه ببرند، اما از تماس‌هایی که گرفته می‌شد، فهمیدم که آنها درست برعکس عمل می‌کنند، یعنی اولا همت و تصمیم اصلی آنها این است که به‌هرترتیب شده آن جلسه سخنرانی دارای مجوز برگزار نشود و ثانیا هیچ‌کاری به کار مهاجمان نداشتند و آنها برای هر اقدامی آزاد بودند. اینجا بود که شمه‌ای از تدبیر دولت یازدهم را درک کردم. خلاصه مقامات دولتی و انتظامی همه تلاش می‌کردند که سخنرانی انجام نشود و از آن‌سو غبار ناراحتی و کدورتی بر دل مهاجمانی که برخی از آنها در اطراف کلانتری بودند نشیند. سرانجام از طرف استانداری در سالن سخنرانی به دروغ اعلام شد که آقای مطهری به تهران بازگشتند تا جمعیت متفرق شود. به‌هرحال بعد از حدود سه‌ساعت چون لباسم پر از خاک و گل و... شده بود یک‌دست کت‌وشلوار آوردند تا لباسم را عوض کنم - و البته آن کت و شلوار را پس خواهم فرستاد - و آنگاه راهی فرودگاه برای بازگشت به تهران شدیم. در راه بازگشت بی‌اختیار به یاد سخن امام(ره) بودم که فرمود در جمهوری اسلامی حتی کمونیست‌ها آزادند که حرف خود را بزنند و سخن شهیدمطهری که فرمود در جمهوری اسلامی حتی احزاب غیراسلامی می‌توانند فعالیت داشته باشند، مشروط به اینکه با تابلوی خودشان فعالیت کنند و یاد تاکید دلسوزانه رهبر انقلاب بر کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها افتادم و از جهالت آن افراد و منافقان زیرکی که این جاهلان را ابزار نیل به اهداف خود قرار می‌دهند تاسف خوردم. به مسوولان استانی و انتظامی شیراز گفتم اگر قرار بر زورآزمایی اجتماعی است بفرمایید تا من هم هوادارانم را به خیابان‌ها فرا بخوانم، در آن صورت این اراذل یک‌لقمه آنها خواهند بود. به رییس‌جمهور محترم عرض می‌کنم فکری به حال استان فارس بکنند و البته نتیجه بده‌بستان در معرفی وزیر کشور به مجلس بهتر از این نمی‌شود و این حوادث نتیجه آن تصمیم غلط است. از دانشجویان محترم دانشگاه شیراز نیز به جای استانداری و نیروی انتظامی فارس عذرخواهی می‌کنم و بدانند که آفتاب پشت ابر نخواهد ماند.

والسلام/علی مطهری/۹۳/۱۲/۱۹

منهای پایتخت

استاندار گیلان

مخالفت با مرخصی نوروزی زندانیان بدنام و سابقه‌دار

● **رشت- فارس:** محمدعلی نجفی، استاندار گیلان: بیش از ۵۰درصد سرقت‌های نوروزی توسط افراد معتاد و سابقه‌دار انجام می‌شود و نباید به زندانیان بدنام و سابقه‌دار مرخصی عید داده شود. اعضای ستاد تلاش خود را برای ایجاد فضای شور و نشاط و آرام در نوروز می‌کنند.

تذکر بی‌پاسخ به شهردار اصفهان در مورد فساد

● **اصفهان- مهر:** رضا امینی، رییس شورای اسلامی شهر اصفهان: تاکنون اعضای شورای اسلامی شهر اصفهان مصادیق فساد مالی در شهرداری اصفهان را ارایه نکرده‌اند و شهردار اصفهان نیز نسبت به تذکر کتبی شورای اسلامی شهر اصفهان درخصوص رسیدگی به فساد مالی در شهرداری اصفهان پاسخی نداده است. منافع مردم در صدر تمام اولویت‌ها قرار دارد و در این راستا تاکید می‌کنم که فساد مالی در ادارات مانند سمی مهلکی است.

جلسه شورای هماهنگی احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب گیلان

● **رشت- ایسنا:** کمال لشکری، دبیر حزب مردمسالاری گیلان: جلسه شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب گیلان به میزبانی حزب مردمسالاری در ماسال برگزار می‌شود. این نشست عصر روز چهارشنبه ۲۰ اسفند به میزبانی حزب مردمسالاری گیلان در ماسال برگزار خواهد شد.

نماینده کاشمر:

مدیرانی که به تعهدات خود عمل نکنند منتظر اعتبارات نباشند

● **کاشمر- فارس:** محمد اسماعیل‌نیا، نماینده کاشمر در مجلس‌شورای‌اسلامی: مدیران استانی که به تعهدات خود عمل نکنند منتظر اعتبارات جدید ماده ۱۸۰ نباشند. این در حالی است که ۶۳میلیاردریال در قالب اعتبارات ماده ۱۸۰ بین دستگاه‌های اجرایی شهرستان برای اجرای پروژه‌های عمرانی توزیع شده که تاکنون ۵۵درصد آن اختصاص یافته است.